

رسول اکرم (ص)

از دیدگاه قرآن

۱۷ ربیع الاول میلاد مسعود

پیامبر گرامی اسلام (ص) و امام صادق (ع)

بر مسلمانان جهان مبارک باد.

ولادت پیامبر اکرم «ص»

مشهور میان علمای شیعه است که ولادت آن حضرت در ۱۷ ربیع الاول - عام الفیل - واقع شده است. عام الفیل همان سالی است که «ابرهه» حاکم یمن به دستور شاه حبشه (اتبوی فعلی) لشکری فیل سوار به مکه معظمه گسیل داشت تا خانه خدا را از ریشه وین برکند و مردم را به طواف برگردخانه ای کعبه مانند که خود ساخته بود وادار سازد! خداوند پرندگان را بر آنان فرستاد که هر یک سنگی در دهن داشتند و بر سر آن پیلان و پیل سواران افکندند و آنان را هلاک ساختند. این واقعه شگفت انگیز برای عرب تا قبل از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبدأ تاریخ شد که تاریخ هر حادثه ای را براساس آن تعیین می کردند.

هنوز دوماه از آن حادثه عظیم نگذشته بود که بزرگترین آیت الهی در زمین نمودار شد و خورشید جهان غیب از افق مکه طلوع نمود و بیت المعمور به بیت الله الحرام متصل شد و نخستین جلوه نور خدا در قالب آخرین و کاملترین پیامبر متجلی گشت و سرسلسله ملوکوتیان به عالم ملکی پای نهاد و واسطه فیض حق برغیب و شهود، بی واسطه به افاضه نور پرداخت و پرده دار عالم قدس بی پرده در مجمع انس پدیدار گشت و تاج کرامت از عرش الهی بر تارک انسان خاکی نهاده شد.

لحظه ای که حضرتش پای به عرصه وجود نهاد، آیات شگفت انگیزی در جهان پدیدار شد. ایوان انوشیروان چنان بخود لرزید که چهارده کنگره از آن فرو ریخت. آتشکده پارس که هزار سال فروزان بود، خاموش شد.

در شماره گذشته بمناسبت رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، بخشی از مدیحه سرایی خداوند متعال در قرآن و بیاناتی که نمایانگر عظمت و علو مقام آن حضرت در پیشگاه قرب احدیت است، بمقداری که عقل قاصر و بیان عاجز ما اقتضا داشت آوردیم.

و در این شماره بمناسبت ولادت با سعادت آن حضرت نیز بخشی دیگر هر چند کوتاه همراه با بیاناتی چند از مولی امیر المؤمنین علیه السلام در بیان برخی صفات و خصوصیات آن حضرت می آوریم تا اگر خود موفق به تأسی و الگو قرار دادن آن اخلاق حمیده نشدیم، مسلمان رهجوی موفق شود و ما را نیز نصیبی عنایت گردد.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَنَذِيرًا وَرَأْعًا إِلَى اللَّهِ بِذُنُوبِكُمْ إِنِّي لَأَمِيرٌ

وی گفت: «آن حضرت چهره‌ای با هیبت و عظمت داشت، در عین حال همچون ماه شب چهارده می درخشید. دارای قامتی متوسط بود. سر مبارکش بزرگ، موها نه چندان پیچیده و نه چندان صاف، اگر آنها را شانه نمی کرد، اباشته می ماند و از گوشش تجاوز نمی کرد. رنگ رخسارش سفید، پیشانی گشاده و ابروها به هم نزدیک؛ در میان آنها رنگی بود که در حال خشم، بر می شد. بینی او کشیده و باریک و درخشنده بود. موی صورت پر ولی کوتاه، گونه‌ها صاف و دهانی نسبتاً بزرگ با دنده‌های سفید و جدا جدا داشت. از گلو تا ناف آن حضرت موهای ریز و مرتعی بود. گردن مبارکش همچون نقره ناب می درخشید. اندامی معتدل و پر و بهم پیوسته داشت شکم و سینه او یکنواخت و شانه‌ها پهن «در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که من شانه‌ای پهن تر از شانه آن حضرت ندیدم» و مفصل درشت. آن چه از بندش پیدا بود بسیار سفید و نوزانی. شکم و سینه از موعاری بود بجز همان خط مرتب از گلو تا ناف و دستها و شانه‌ها و قدری از بالای سینه که پر موی بود. دستهای مبارکش بلند و کف دست گشاده و عخن و همچین کف پای مبارکش عخن بود. دستها و پاها متناسب و مستقیم. کف پا کم گوشت و گودی آن معتدل. چون راه می رفت گویا از زمین کنده می شد. ولی قدری به راست و چپ متمایل بود، آرام می رفت ولی فاصله قدمها بسیار، چنان که گویی از بندگی سرازیر می شود، و چون به سوی می چرخید یا تمام بدن بر می گشت، همواره دید را بر زمین دوخته بود و بیشتر با گوشه چشم نگاه می کرد و هر کس را ملاقات می فرمود، در سلام سبقت می گرفت».

(بحار، ج ۱۶، ص ۱۱۸)

حُسن خلق و سعة صدر

از صفات بارز و شگفت انگیز رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم، حُسن خلق و سعة صدر و تحمل و بردباری است. خداوند در این باره در سوره قلم فرموده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ». براسی اخلاق نیکوی تو شکوهمند است. خداوند در مواردی بر ساخته های دست خویش آفرین می گوید و این نیز از آن موارد است. حَقًا اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله شگفت آور است که هر چه در این باره گفته اند و سروده اند، اندکی از بسیار قطره‌ای از بحر زخار است. و این حسن اخلاق و جذابیّت از آن است که او بالاترین تجلّی

دریاچه ساوه خشکید. بنها در همه جا سرنگون شدند. شهابها در آسمان فراوان شد که قریش به خیال پراکنده شدن ستارگان سراسیمه گشتند و پنداشتند که پایان جهان فرا رسیده، غافل از اینکه پایان جهل و جاهلیت است. کاهنان که تا آن روز بساط گسترده و بازار گرمی داشتند، ناگاه درهای آن علم شیطانی را بسته دیدند و مویده موبدان همان شب در خواب دید که شترانی چموش در حالی که اسبانی اصیل را می کشند، از دجله گذشتند و چون انوشیروان تعبیر آن را جویا شد، آگاهان از کتب آسمانی او را از آینده غم انگیز شاهنشاهی آگاه ساختند. علمای یهود چون آن علامات را در تورات دیده بودند، مضطربانه از محفل قریش جویا شدند که آیا نوزادی امشب به دنیا آمده و چون آن حضرت را دیدند و نشانه‌های نبوت را در او مشاهده نمودند، فریاد برآوردند که دوران نبوت بنی اسرائیل سرآمد و قریش را مطلع ساختند که این نوزاد، بینی گردنکشان را به خاک خواهد مالید.

سحرگاه جمعه ۱۷ ربیع الاول در خانه عبدالله بن عبدالمطلب، همراه با دمیدن سپیده صبح، فجر نبوت تایید و افق تاریک بشریت را روشن و منور ساخت. یتیم به دنیا آمد و در سن شش ماهگی مادر را نیز از دست داد. جد بزرگوارش عبدالمطلب علیه السلام که قدر آن ذریتیم را می شناخت، با دل و جان به خدمت او پرداخت و پس از وی بر اساس وصیتش، عموی آن حضرت جناب ابوطالب علیه السلام اقتدار خدمت را یافت و بحق که حق خدمت را ادا کرد. حلیمه سعیدیه دایه آن حضرت بود و فاطمه بنت اسد مادر گرامی مولی امیرالمؤمنین علیه السلام، بجای مادر متکفل امور او شد.

شمائل پیامبر «ص»

شمائل آن حضرت چندان جذاب و خیره کننده بود که هر کس او را می دید می گفت: کسی چون او نیامده و نخواهد آمد. امام حسن مجتبی علیه السلام گوید: از دانشی خود هندی‌ن ایی هاله - فرزند خدیجه علیها السلام از شوهر سابق - خواستم که رسول خدا صلی الله علیه و آله را توصیف کند زیرا در این کار هنرمند بود.



فِيهَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لِيُنْتَلَىٰ لَهُمْ
 وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
 لَانْفَضُّوا مِن حَوْلِكَ فَاعْفُ
 عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ
 شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
 فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

آن خضوع کند.

یعنی، ای پیامبر! منظور ما آزمایش است و گزرنه و ادا کردن مردم به ایمان برای ما آسان است. و در سوره فاطر، آیه ۸ می فرماید:

«فَلَا تَذْهَبْ لِنَفْسِكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ» میاذا از حسرت و تاسف بر آنان، جان خود را از دست بدهی.

و در آغاز سوره طه می فرماید: «طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى» ما قرآن را نفرستادیم که در راه تبلیغ آن خود را به رنج و تعب فراوان بیاندازی.

آیات ذر این زمیته بسیار است، مراجعه شود به سوره یوسف ۱۰۳ و نحل ۳۷ و یونس ۹۹ و مائده ۴۱ و انعام ۳۳ و لقمان ۲۳ آیات دیگر که هر کدام به گونه ای از حزن و اندوه فراوان آن حضرت بر گمراهی مردم حکایت می کند و به تحوی او را تسلی و دلداری می دهد.

مهربانی با مردم

و از آیاتی که نهایت رحمت و مهربانی آن حضرت را می رساند، آیه ۶۱ سوره توبه است:

«وَمَنْ يَتُوبْ إِلَى اللَّهِ حَقًّا يَرْجِئْ لَهُ أَجْرًا كَثِيرًا مِمَّا كَسَبَ سَلِيمًا غَيْرًا لِلَّذِينَ ظَلَمُوا أُولَئِكَ رِجَاؤُهُمْ يَوْمَ تَحْشُرُهُمْ فِي الْأَجْرَةِ وَاللَّذِينَ ظَلَمُوا لَهُمْ آجْرُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَلِيمٌ» - بر کسی از متذللین پیامبر را آزار می دهند و می گویند او گوش است، یعنی آنچه را بشنود می پذیرد، بگوای پیامبر! گوش است در آنچه به نفع شما است؛ ایمان بخدا دارد و امان است برای مسلمانان و

رحمت خداوند است بر جهانیان که خداوند فرمود: «وما ارسلناك الا رحمة للعالمين» (نساء: آیه ۱۰۷) و ما تو را نفرستادیم مگر اینکه رحمتی بر جهانیان باشی. در این آیه، ذات آن حضرت، رحمت شمرده شده است و این از باب مبالغه نیست بلکه ذات آن حضرت رحمت خداوند است بر جهانیان از جهت هدایت و راهنمایی و رهبری. و این معنی که عطف او تجلی رحمت خداوند است در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به وضوح بیان شده: «فبما رحمة من الله لئن لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك» - این همه نرمی و عطف تو از رحمت خداوند است و اگر خشن و درشتخو و قس القلب بودی، همه از دور تو پراکنده می شدند.

و در سوره توبه، آیه ۱۲۸ نهایت محبت و علاقه و مهربانی آن حضرت را نسبت به تک تک افراد امت با شیواترین و مؤثرترین تعبیر بیان فرموده است:

«لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم» پیامبری برای شما آمده است که از خود شما است و آنچه بر شما گران آید بر او سخت می گذرد و بر سعادت و خوشبختی شما حریص است و نسبت به مؤمنان مهربان و با عطف است.

در این آیه مبارکه، بر عطف و مهربانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به خصوص مؤمنان تاکید شده است ولی صفات دیگر را بطور عموم ذکر فرموده یعنی اختصاص به مؤمنین ندارد و خطاب به تمام مردم است که: او از خود شما است و از سختی و محنت شما رنج می برد و با حرص و ولع، سعی در هدایت شما دارد.

این مطلب که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر هدایت مردم حریص بود و کوشش بسیار می نمود و بزرگراهی مردم نهایتاً تاسف را داشت، در چند جای قرآن مورد اشاره واقع شده و خداوند متعال پیامبرش را تسلی داده است. در سوره کهف، آیه ۶ می فرماید:

«فلعلك باعح نفسك على آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحديث أسفاً» - ای پیامبر! نزدیک است خود را از تاسف بر آنان بکشی که به قرآن ایمان نیاورده اند.

گویا پیامبر گرامی آنقدر از گمراهی آن مردم اندوهگین بود که نزدیک بود از آن افسوس، جان بدهد و لذا خداوند او را تسلیت و دلداری می دهد و او را از این همه حسرت مینح می فرماید. و در سوره شعرا آیه ۴۰ می فرماید:

«لعلك باعح نفسك الا يكونوا مؤمنين، ان نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين» - شاید تو جان خود را از افسوس بر عدم ایمان آنان از دست بدهی، اگر ما بخواهیم آیتی از آسمان بر آنان نازل می نمایم که همه در برابر

رحمت است برای مؤمنان شما...

در شأن نزول این آیه روایت شده است که یکی از منافقین، سخنان آن حضرت را برای دشمنان نقل می کرد و در واقع، کار او نمایی و سخن چینی بود. جبرئیل امین علیه السلام آن حضرت را مطلع ساخت، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم آن مرد را خواست و او را ملامت کرد، او انکار نمود که چنین کاری نکرده است. حضرت فرمود: از تو می پذیرم ولی مبادا چنین باشی. او به میان دوستان خود رفت و گفت: محمد گوش است، خدا به او خیر داد که من سخن چینی می کنم و او پذیرفت و چون من انکار کردم، این را نیز پذیرفت. سپس آیه کریمه نازل شد. یعنی گوش بودن او در موردی است که به نفع شما است یعنی عذر شما را می پذیرد و برای شما محل امن و امانی است، درشتخو و سختگیر نمی باشد ولی رحمت خاصه خداوند است بر خصوص مؤمنان واقعی.

از جهتی دیگر نیز آن حضرت بر آن مردم رحمت بود که با همه گردنکشی و بد رفتاریشان، مورد خشم الهی و عذاب واقع نمی شدند. خداوند در این باره می فرماید:

«وما كان الله ليعذبهم وانت فيهم» (انفال-۳۳). خداوند هرگز آنها را تا تو در میانشان هستی، عذاب نمی کند.

روش زندگی حضرت

در پایان شمه ای از اخلاق گرامی و روش زندگی آن حضرت را از زبان مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام می آوریم که او بهتر از هرکس آن حضرت را می شناخت.

فرمود: «هرگاه به منزل می رفت، وقت خود را سه قسمت می نمود: قسمتی برای عبادت و قسمتی برای خانواده و قسمتی به خود اختصاص می داد و در آن قسمت خاص خود نیز به وسیله اصحاب به کار مردم رسیدگی می کرد و وقتی برای خویش باقی نمی گذاشت. و از سیره آن حضرت بود که اهل فضل و احترام خاصی می نمود، هر یک به اندازه فضلش در دین. برای هرکس بمقدار نیازش وقتی قرار می داد و با او مشغول بود و از آنان در مورد نیازهای خود و سایرین استفسار می نمود و می فرمود: حاضران، غایبان را آگاه نمایند. و هر کس حاجتی دارد و نمی تواند به من برساند شما مرا مطلع سازید که هرکس حاکم را به حاجت حاجتمندانی که دسترسی ندارند، آگاه سازد، خداوند گامهای او را در روز قیامت، ثابت و استوار سازد.»

و فرمود: «آن حضرت زبان خود را از سخنان زائد و بیهوده باز می داشت و با مردم الفت و مهربانی داشت و آنان را از خود نمی راند. بزرگ هر قوم را احترام می نمود و او را بر آنان ولایت می داد. با مردم محتاطانه برخورد می کرد ولی خوشرویی خود را از آنان نمی گرفت و روی در هم نمی نمود. همیشه از یاران و اصحاب خویش تغفد و دلجوئی می کرد و از مردم احوال دیگران را

می پرسید. نیکی را تقویت و بدی را تضعیف می نمود. در همه امور میانه روی بود و از یک خط مستقیم پیروی می کرد. غفلت نمی کرد تا دیگران غفلت نکنند و گمراه نشوند. از حق تجاوز نمی کرد و از آن گذشت نداشت. بهترین مردم را برگرد خویش جمع می نمود و کسی را برتری می داد که خیرخواهی بیشتر برای مسلمانان داشته باشد و منزلت کسی را بالا می برد که با مردم مواسات کند و همراهی نماید.»

و همچنین فرمود: «اگر در میان قومی وارد می شد، هر جا که جا بود می نشست و به این کار دستور می داد و در مجلس همه همنشینان را مراعات می نمود بطوری که هیچ کس احساس نمی کرد دیگری به او نزدیکتر است. اگر با کسی می نشست او را تحمّل می کرد تا خود برخیزد، و هر کس از او حاجتی می خواست بر نمی گشت مگر با حاجت برآورده، یا پاسخی نیکی. چنان خلق کریم او مردم را فرا گرفته بود که همه او را پدر می دانستند. و همه در برابر او از حق یکسانی برخوردار بودند. مجلس او جایگاه حلم و حیا و راستی و امانت بود؛ صداها در آن آرام و آداب در آن رعایت می شد و لغزشهای آن تکرار نمی شد یعنی حضرت رسول صلی الله علیه وآله آنان را متوجه می ساخت که دیگر تکرار نکنند.»

و فرمود: «آن حضرت همیشه خوشرو و نرمخو بود، خشونت و درشتی نداشت، پر سر و صدا و فحاش و عیبجو و متعلّق نبود. اگر از چیزی کراهت داشت اظهار نمی نمود و کسی از او مایوس و نا امید نمی شد. از سه چیز پرهیز می کرد: مجادله و پرگوئی و دخالتهای بیجا، و از سه چیز درباره مردم خودداری می ورزید: کسی را مذمت و سرزنش نمی کرد و لغزشها و اسرار دیگران را جستجو نمی نمود و سخنی نمی گفت مگر آنکه امید ثواب داشته باشد. و اگر سخنی می گفت، همنشینانش همه سر بزیرو مساکت می ماندند و تا او سکوت اختیار نمی نمود، سخنی نمی گفتند و در خدمتش نزاع و جدال نمی کردند و به نوبت سخن می گفتند. و اگر آنان از چیزی می خندیدند آن حضرت نیز تیسر می کرد و اگر اظهار تعجب می کردند او نیز چنان می کرد. اگر غریبی وارد می شد و با درشتی سؤال می کرد، آن حضرت تحمّل می نمود تا حدی که اصحاب قصد تفرّض به او می کردند. و می فرمود: همیشه حاجتمندان را یاری دهید. هرگز نا و مدح کسی را بجز در مورد احسان نمی پذیرفت و سخن کسی را قطع نمی کرد مگر اینکه از حد مشروع بگذرد، آن گاه با او را نهی می فرمود و با از آنجا برمی خاست.»

و در روایت دیگر است که اگر کسی با آن حضرت دست می داد، دست خود را رها نمی کرد تا آن شخص دست بردارد.

امیدواریم خداوند به ما توفیق دهد که به مقدار ممکن، از اخلاق آن حضرت پیروی کنیم «ولکم فی رسول الله اسوة حسنة». درود بی پایان خداوند بر او و بر خاندان پاکش.